

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم  
شماره دوم (پیاپی 34)، تابستان 1396، صص 51-66  
تاریخ وصول: 1394/03/08، تاریخ پذیرش: 1395/02/16

## عوامل موثر در ارتقاء جایگاه سیاسی اجتماعی شیعیان امامی در ایران دوره سلجوقی

محمد رضا بارانی\* - سید ابوالفضل رضوی\*\* - هدایت نادریان\*\*\*

### چکیده

قدرت‌گیری سلجوقیان سنی مذهب، موقعیت سیاسی اجتماعی شیعیان را دچار گسست کرد؛ اما پایگاه اجتماعی و توان فکری فرهنگی آنان را از بین نبرد. به تدریج که ساختار حکومت سلجوقی به سبب تلفیق با سنن ایرانی اسلامی در مسیر درست قرار گرفت و مهم‌تر اینکه شیعه امامیه هویت و ماهیت متفاوت خود را نشان داد، زمینه برای نفوذ آنان در جامعه و حکومت هموار شد. سلوک سیاسی و اجتماعی شیعیان امامی و بهره‌گیری موثر شیعیان از اصول اعتقادی خویش، در این جهت سهم موثر داشت.

شیعیان امامی با بهره‌گیری از جایگاه نقیبان، منقبت‌خوانان، وزیران دارای نفوذ و با استفاده از اصل راهبردی تقیه در جهت حفظ و تداوم هویت گروهی خود کوشیدند و در این بستر ناسازگار با رویکرد مذهبی خود، برای پیشرفت پایگاه سیاسی و اجتماعی شیعه تلاش کردند. نتیجه این رویکرد و بهره‌گیری از این راهکارها، تقویت نفوذ شیعیان در دوره‌های پایانی فرمانروایی سلجوقیان بود که زمینه را برای اثربخشی شیعیان در دوره خوارزمشاهیان و مغولان و ایلخانان در ایران فراهم کرد. در همین راستا، مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی جایگاه سیاسی اجتماعی شیعیان امامی را در عهد فرمانروایی سلجوقیان واکاوی و عوامل موثر در این مهم را به عنوان دوره‌ای تاثیرگذار در سیر تحول جایگاه امامیه در تاریخ ایران بررسی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سلجوقیان، شیعیان امامی، جایگاه سیاسی اجتماعی، وزرات، تقیه، نقیب.

\* استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا (س)، ایران m.barani@alzahra.ac.ir، نویسنده مسوول

\*\* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، ایران، abolfazlrazavi@Khu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی، ایران، h.naderyan@yahoo.com

## مقدمه

قدرت‌گیری سلجوقیان سنی مذهب همگرا با دستگاه خلافت عباسی، در بخش وسیعی از قلمرو اسلامی، شیعیان برخوردار از حمایت حکومت‌های پیشین شیعی را به انزوا فرو برد و برتری سیاسی و اجتماعی آن‌ها را با گسست مواجه کرد. شیعیان زیدی در پی مرگ ناصر اطروش و اختلاف بین جانشینان وی، ضمن از دست دادن پایگاه سیاسی خویش در شمال ایران، هویت گروهی خود را از دست داده (316ق) و شیعیان اسماعیلی نیز دشمنی آشکار با حکومت سلجوقی را در دستور کار قرار دادند؛ اما شیعیان امامی راهی متفاوت در پیش گرفتند و برای ماندگاری و تداوم هویت فکری فرهنگی خویش تلاش کردند؛ از این رو، با اتخاذ راهبرد مناسب و انجام کارکردهای موثر، برای تقویت پایگاه اجتماعی خود تلاش کردند و با حضور فعال همراه با احتیاط و تدبیر، زمینه را برای حفظ و استمرار جایگاه سیاسی و اجتماعی خویش در سراسر تاریخ میانه ایران فراهم آوردند.

فرهیختگان امامی با بهره‌گیری از تقیه، سلوک مداراجویانه و همزیستی مسالمت‌آمیز با اکثریت تسنن، پرداختن به امور فرهنگی، مشارکت فعال در ساخت سیاسی حاکم و جلب اطمینان سلاطین سلجوقی و نیز بهره‌گیری از سنن فرهنگی و اجتماعی با سابقه‌ای همچون منقبت‌خوانی و بهره‌گیری از موقعیت نقیبان شیعی، پایگاه اجتماعی و هویت سیاسی و اعتقادی خود را از دیگر فرق شیعه متمایز کردند. آنان با بهره‌گیری از وضع موجود، در پاسی از دوران سلاجقه، جایگاه خود را تثبیت کردند. در همین راستا، مقاله حاضر پس از مروری بر جایگاه سیاسی و اجتماعی امامیه در جامعه و حکومت عهد سلجوقی، به عوامل موثر در این جهت می‌پردازد.

فهم چرایی و چگونگی موفقیت شیعیان امامی در عصر فرمانروایی سلاجقه، در پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر بررسی می‌شود: بهره‌گیری شیعیان امامی از اصل راهبردی تقیه، در کسب پایگاه سیاسی و اجتماعی درخور اعتنای ایشان در عهد فرمانروایی سلجوقیان چه تأثیری گذاشته‌است؟ وزیران و صاحب‌منصبان امامی مذهب این عهد در ارتقاء جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان امامی چه سهمی داشته‌اند؟ رویکرد مسالمت‌آمیز شیعیان امامی در برخورد با اهل سنت و کارکردهای فکری و فرهنگی ایشان، در جایگاه سیاسی اجتماعی آن‌ها چه تأثیری داشته‌است؟

درباره شیعه امامیه و جایگاه آن در عهد حاکمیت سلجوقیان، پژوهش‌های چندی انجام شده‌است که در این میان، رساله دکتری سیدمحمدحسین منظورالاجداد از حیث روشمندی و برخورداری از چارچوب آکادمیک از دیگران ممتازتر است. ایشان جایگاه امامیه را در گستره قلمرو سلاجقه بررسی کرده و جایگاه سیاسی و اجتماعی این فرقه را نیز مد نظر قرار داده‌است. در پژوهش ایشان، رویکرد تاریخی برجسته‌تر است و حال آنکه مقاله پیش رو، به بررسی عوامل راهکارهای بزرگان شیعه در تقویت جایگاه سیاسی اجتماعی شیعه امامیه می‌پردازد. به علاوه، مقاله حاضر تنها به جایگاه امامیه در جغرافیای سیاسی ایران پرداخته‌است و بررسی موقعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان امامیه در دیگر مناطق تحت سیطره سلجوقیان را در نظر ندارد. منظورالاجداد بیشتر به وضعیت شیعیان عراق و روابط آن‌ها با خلافت بغداد پرداخته‌است. ایشان خاندان‌های شیعه عراق مثل آل‌مزید و دانشمندان شیعی حوزه‌های علمی بغداد را بررسی کرده و شیعه امامیه را در ایران به شکل تخصصی بررسی نکرده‌است؛ همچنین درباره مسائلی همچون تقیه و اسماعیلیان ایران مطالبی نیآورده‌است. غلامرضا جلالی

آلبارسلان هیچ نشیندند که امیری یا ترکی، رافضی را بخویشتن راه داده است و اگر یکی از پادشاهان راه دادی با او عتاب کردی و خشم گرفتی» (نظام الملک، 1369: 199)، از دیدگاه وی به شیعیان یاد کرده و با آوردن حکایتی، از سخت گیری آلبارسلان در مقابل آن‌ها یاد می‌کند (نظام الملک، 1369: 203)؛ اما گزارش‌های دیگر منابع از این صراحت عمل سلطان سلجوقی حکایت ندارد (میرخواند، 1380: 3155؛ خواندمیر، 1380: 487).

در برداشتی بدبینانه، ممکن است سلوک اولیه سلاطین سلجوقی را در برابر شیعیان به علت انتقال قدرت از آل‌بویه شیعه‌مذهب به خاندان سلجوقی حنفی‌مذهب و ضرورت رعایت حال خلیفه عباسی دانسته و اظهار دشمنی صریح با اسماعیلیه را شامل حال امامیه نیز بدانیم؛ اما باید اشاره کنیم که ساختار حکومت سلجوقی به علت خوگرفتن با سنت‌های حکومتی ایرانی اسلامی، کم‌کم در مسیر طبیعی خود قرار گرفت و مهم‌تر اینکه شیعه امامیه نیز هویت و ماهیت متفاوت خود را با دیگر فرقه‌های شیعه نشان داد؛ پس سخت‌گیری به آنان کم شده و زمینه برای نفوذ آنان در جامعه و حکومت فراهم شد. برپایه گزارش‌های منابع، می‌توان آغاز این نفوذ امامیه را به دوره سلطنت ملک‌شاه سلجوقی یا حداقل اواخر دوران سلطنت وی مربوط دانست.

در این جهت دیدگاه خواجه نظام الملک، نظریه پرداز و وزیر صاحب نفوذ عهد اقتدار سلاجقه بزرگ، دو پهلوست. او در کنار دشمنی صریح با تشیع که گاه‌گاه امامیه را نیز با عنوان روافض یا باطنی در شمار فرق بدعت‌گذار قرار می‌دهد، از نفوذ فراوان آن‌ها در امور دیوانی حکایت می‌کند. نظام الملک که از نفوذ شیعیان در عهد ملک‌شاه سلجوقی گله‌مند است و از بی‌اعتنایی سلاطین قبلی سلجوقی به آنان یاد می‌کند و البته بدون

نیز در مقاله «عصر سلجوقی و سیاست‌های فرهنگی شیعه» که در شماره 79 مجله مشکوه به چاپ رسید، وضعیت امامیه را بیشتر در بغداد بررسی کرده و کمتر به مسائل اجتماعی شیعه امامیه پرداخته است. مقاله «وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی» تالیف بارانی و نادریان در مجله سخن تاریخ شماره 15، بیشتر به عناصر فرهنگی جامعه شیعی امامیه پرداخته و کمتر به وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان پرداخته است.

### جایگاه شیعیان امامی در ایران عهد سلاجقه

سلاطین سلجوقی به پاک دینی مشهور بودند و مذاهب سنت و به‌ویژه فرق حنفی و شافعی را ارج می‌نهادند (مستوفی، 1339: 426)؛ اما این به معنای تخاصم با شیعیان به‌طور عام نبود و در بیشتر مواقع، شیعیان اسماعیلی را شامل می‌شد. بنابراین می‌توان چنین بیان کرد که سلاطین سلجوقی در سخت‌گیری بر شیعیان تعصب چندانی نداشتند. در واقع، این وزیران و درباریان سنی مذهب ایرانی بودند که سخت‌گیری بر دیگر مذاهب اسلامی را بنا نهادند (ابن‌خلدون، 1389: 840/2).

درباره اینکه طغرل، بنیان‌گذار سلجوقیان، چه رفتاری با شیعیان امامی در ایران داشته است، گزارش صریحی در منابع وجود ندارد؛ اما در یک نمونه، گزارش ابن‌اثیر از مشارکت علویان در امر حکومت حکایت دارد (ابن‌اثیر، 1370: 5754/13). سلوک جانشینان طغرل در برابر شیعیان امامی نیز، در منابع بازتاب صریحی نیافته و تا حد بسیاری، دستخوش تقابل دستگاه سیاسی سلجوقی با شیعیان اسماعیلی شده است. برخورد آلبارسلان با امامیه نیز دوپهلوی و بر مبنای برداشت‌های کلامی گزارش شده است. نظام الملک با عبارت کلی «و سلطان طغرل و

اینکه میان فرق شیعیه تمایزی قائل شود، نسبت‌های ناروایی را نیز بدان‌ها روا می‌دارد، به‌طور صریح از نفوذ سیاسی و دیوانی شیعیان در قیاس با گذشته گزارش می‌دهد (نظام‌الملک، 1369: 184، 199، 225 و 226، 254).

سخن‌راندن از نفوذ سیاسی شیعیان از سوی خواجه، امری که جایگاه سیاسی وی و هم مسلکان او را به خطر می‌انداخت و ابراز دشمنی با شیعیان بدون ایجاد تمایز میان اسماعیلیه و امامیه که البته سلوک عمومی امامی‌مذهبان و به‌خصوص بهره‌گیری ایشان از سلاح تقیه نیز این فرصت را به خواجه می‌داد که به آن‌ها نیز، با وجود نفوذشان، با نسبت‌های نکوهیده به صورت دوپهلوی حمله کند، قبل از هر چیز، از پایگاه درخور اعتنای این فرقه حکایت می‌کند. این در حالی است که دشمنی شخص نظام‌الملک با امامیه و سلوک ضد شیعی وی به‌طور کامل آشکار نیست؛ چراکه برپایه گزارش‌های منابع، شخص نظام‌الملک به همراه سلطان سلجوقی در چند نوبت مرقد امامان شیعه را زیارت کرد و با خانواده شیخ جعفر دوریستی، یکی از علمای بزرگ امامیه، ارتباط سببی داشت و در مجلس درس او نیز حضور می‌یافت (میرخواند، 1380: 3176؛ حسینی، 1380: 106)؛ به‌علاوه، خواجه در چند موضع از ائمه شیعی به نیکی تمام یاد می‌کند و فضایل امام علی(ع) و امام حسین(ع) را برمی‌شمرد (نظام‌الملک، 1369: 155 تا 159).

صرف نظر از نظام‌الملک که به‌طور صریح از ارتقاء جایگاه سیاسی امامیه از عهد ملک‌شاه گزارش می‌دهد، داده‌های دیگر منابع و به‌ویژه گزارش‌های عبدالجلیل قزوینی شیعه‌مذهب که هم موضع سلبی شهاب‌الدین شافعی شیعه‌ستیز را مبنی بر نفوذداشتن شیعه در عهد سلاجقه پاسخ می‌گوید و هم موضع ایجابی خود را از حیث منزلت سیاسی و اجتماعی شیعیان بیان می‌کند نیز

نفوذ درخور اعتنای این فرقه را نشان می‌دهد. عبدالجلیل قزوینی موضع سلبی مؤلف فصائح‌الروافض را مبنی بر کم‌ارزش‌شمردن شیعیان در زمان سلطنت ملک‌شاه بدین نحو پاسخ می‌گوید: «اما جواب آنچه حواله کرده‌است به عهد سلطان ملک‌شاه، حوالتی است به دروغ که ادراستی و تسویغاتی (عطایا) که ایشان کرده‌اند، سادات شیعه را و خطوط و توقیعات ایشان بدان ناطق است و هنوز دارند و می‌استانند و احترام و توفیر و ترفیع سادات و علمای شیعه در آن عهد و دولت معلوم و مصور است» (قزوینی رازی، 1358: 41، 142).

همین‌طور در پاسخ صاحب فضایح که معتقد بود «بروزگار ملک‌شاه و سلطان محمد قدس‌الله روحهما، نگذاشتندی که اینان (شیعیان) مدرسه و خانقاه بسازند» (قزوینی رازی، 1358: 34) از تعداد چشمگیر مدارس شیعیان که در عهد سلطنت این دو سلطان بنا شده‌اند، یاد می‌کند و متذکر می‌شود که «اگر به تعدید مدارس سادات مشغول شویم در بلاد خراسان و حدود مازندران و شهرهای شام از حلب تا حران و از بلاد عراق چون قم و کاشان و آبه که مدارس چند است و کی بوده‌است و اوقاف چند، طومارات کتب خواهد» (قزوینی رازی، 1358: 34). سلوک شخص ملک‌شاه در زیارت قبور ائمه شیعه و ازدواج دختر او خاتون سلقم با اسپهبد علی، حاکم شیعی طبرستان، نیز از تسامح وی در برخورد با شیعیان حکایت دارد (میرخواند، 1380: 3176، 3181). نویسنده ریاض‌الفردوس هم از ساختن قبه بر مزار برخی از امامان شیعه، به همت وزیر شیعی ملک‌شاه گزارش می‌دهد (حسینی منشی، 1385: 175).

در عهد جانشینان ملک‌شاه، جایگاه شیعیان امامی مستحکم‌تر نیز شد و داده‌های منابع و خاصه

1353: 223/19؛ راوندی، 1364: 331). در کنار تبیین داده‌های منابع در مطالب فوق، می‌توان علل نفوذ شیعیان امامی و برخورداری آن‌ها از پایگاه اجتماعی مناسب را در عوامل زیر جمع‌بندی کرد: 1. نظرگاه مثبت مولف شیعه‌مذهب النقض در تبیین رفتار مناسب سلاطین سلجوقی با شیعه امامیه و جایگاه برجسته عالمان شیعی در این عهد؛ 2. اشاره نکردن صریح منابع مخالف شیعه به شیعیان امامی و سخن گفتن کلی آن‌ها از شیعه به‌طور عام در نتیجه دشمنی با اسماعیلیه؛ 3. وجود دیوانسالاران و وزرای دارای نفوذ شیعی و فعالیت آنان با تسامح لازم در جهت منویات شیعیان امامی؛ 4. سلوک متساهل شیعیان امامی و سعی آنان در ایستادگی و تداوم حضور، در پرتو مدارا و بهره‌گیری از اصل راهبردی تقیه و با کارکردهای فرهنگی اثرگذار مثل استفاده از منصب نقابت و منقبت‌خوانی.

**عوامل موثر در ارتقاء جایگاه سیاسی اجتماعی امامیه**  
مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ارتقاء جایگاه سیاسی و اجتماعی شیعیان امامی در ایران عهد سلجوقی را می‌توان در نمونه‌های زیر بررسی کرد:

#### 1. بهره‌گیری از توان علمی و نفوذ عالمان دینی

امامیه در پرتو حمایت آل‌بویه، نسل نیرومندی از جوانان شیعی را در شهرهای مختلف شیعه‌نشین تربیت کرده بود که از فرهنگی غنی و توان علمی و اجرایی برخوردار توجهی برخوردار بودند؛ بنابراین آنان در پرتو مداراجویی و حفظ فاصله با اسماعیلیه، بدان حد از پایگاه اجتماعی رسیده بودند که در کانون آزار قرار نگیرند و در امور دیوانی و خاصه منصب وزارت صاحب نفوذ شوند. چنان‌که خواهد آمد، این نسل شیعی که به‌تدریج جای خود را در دربار باز کرده بود، با دراختیارگرفتن منصب وزارت و اداره صحیح امور

گزارش‌های النقض نشانگر استحکام این جایگاه است. نویسنده زبده‌التواریخ گزارش می‌دهد که «سلطان غیاث‌الدین محمد طبر در کار سلطنت نیک کردار بود و پیوسته به آبادانی و داد و حفظ بیت‌المال و صدقه سرگرم. از آیین و خرد راه می‌جست و درست کیش بود و با باطنیان و رافضیان کینی تمام داشت» (حسینی، 1380: 116)؛ اما چنان‌که آمد پاسخ عبدالجلیل قزوینی به نویسنده ضد شیعی فضائح الروافض، از اقبال عمومی و نفوذ چشمگیر شیعیان در عهد سلطان محمد حکایت دارد (قزوینی رازی، 1358: 34).

سلوک سلطان محمد در برخورد با شیعیان ثابت نبود؛ در یک نمونه، او تحت تأثیر دشمنی با اسماعیلیان دستور قتل وزیر خود، سعدالملک آوجی را در نتیجه سعایت اطرافیان و به اتهام مراوده با اسماعیلیه صادر کرد؛ اما به‌سرعت پشیمان شد و با احترام فراوان وی را تشییع و دفن کرد (شوشتری، 1354: 458/2). در همین زمان، بزرگان امامی آن‌قدر نفوذ داشتند که در یک نوبت، با دادن پول سلطان را متقاعد کنند که خواجه احمد، فرزند نظام‌الملک را در اختیار آن‌ها قرار دهد و او را به جرم دسیسه‌چینی علیه شیعیان و در راستای رقابت‌های دیوانی از پای درآورند (راوندی، 1364: 163 تا 165).

شیعیان امامی در عهد سلطنت طولانی سنجر نیز وضعیت مناسبی داشتند. گزارش‌های ابن‌اثیر و محمد میرک از نفوذ عمومی شیعیان و وزرای کاردان شیعی در عهد وی حکایت دارد (ابن‌اثیر، 1353: 50/19؛ حسینی، 1385: 180). از رونق کار و پایگاه سیاسی شیعیان امامی در عهد دیگر سلاطین سلجوقی، اعم از محمود بن محمد و سلطان مسعود و طغرل سوم هم گزارش‌های بسیاری در منابع آمده‌است (قزوینی رازی، 1358: 262؛ حسینی، 1380: 140؛ ابن‌اثیر،

شیعه با روش‌های منطقی و مسالمت جویانه، مثل نشستن در مجلس درس مخالفان، صورت می‌گرفت و روشی خوب برای تقریب مذاهب اسلامی بود (جلالی، 1382: 122).

حتی خواجه متعصب سنی با نقیب سیدمرتضی وصلت و خویشاوندی داشت. مولف النقض در توصیف مناسبات حسنه علمای شیعه شهرری با نظام‌الملک طوسی و سلاطین سلجوقی بیان می‌کند که: «در شهرری که از امهات بلاد عالم است در عهد مرتضای قم که بود که بر وی طلب تقدم یارستی کردن؟ و معلوم است که علمای فریقین هر آدینه بسلام مرتضی رفتندی و از وی عطا ستدندی و سلطان در وقت انزوای او بسرای او رفت و نظام‌الملک با عظمت هر سال اند بار بسرای او رفتی» (قزوینی رازی، 1358: 399). همچنین در بیان احوال علمای شهرری و برتری برخی از آنها بر علمای سایر مذاهب چنین می‌آورد که: «در عهد سید کامل الحسنی کرا زهره بودی که بر وی زیادتی طلب کند؟ و در عهد سیدشمس‌الدین رئیس شیعت مگر مصنف دیده باشد که در همه محافل و مجامع سال‌های دراز از اصحاب حنیفه و شافعی کسی بر بالای او نشست و نتوانست نشستن» (قزوینی رازی، 1358: 399).

نویسنده النقض از علمای بزرگ دیگر شهرها نیز یاد می‌کند؛ به‌طور مثال، در سبزواری از سیداجل نام می‌برد و متذکر می‌شود که وی همیشه از والی شهر و شحنه و قاضی و سایر ائمه شهر برتر بوده‌است؛ در جرجان از نفوذ و برتری علمایی همچون سید شرف‌الدین ماضی، ناصر‌الدین، نور‌الدین، سید منتهی و در عصر مؤلف سید اجل جمال‌الدین و سید مشیر‌الدین یاد می‌کند؛ در نیشابور از سیداجل ذخرالدین و پدرش نام می‌برد. از عالمان و ادیبان معروف شیعه

دیوانی که یکی از راه‌های مهم ترقی و نفوذ قلمداد می‌شد و نیز همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل سنت در کانون اهتمام سلاطین سلجوقی واقع شدند و از همین نفوذ، در جهت توسعه و ترویج فرهنگ شیعی بهره گرفتند.

برتری عالمان شیعی که نام و نفوذ برخی از آنها را عبدالجلیل قزوینی ذکر کرده‌است، حاکی از تلاش فرهنگی شیعیان امامی در جهت ماندگاری و سعی در کسب برتری در پناه م‌دارای سیاسی و اعتقادی است. شیعیان امامیه با کمک گرفتن از مدارس و مساجد متعددی که در شهرهای شیعه‌نشین ساخته شدند، برنامه‌های فرهنگی و علمی و دینی خویش را آرام‌آرام پیش بردند و با تربیت و تهذیب جوانان شیعه‌مذهب در این مراکز دینی و علمی، آنها را برای واردشدن به دنیای سیاست و توسعه اهداف شیعه در ایران آن روز آماده کردند (بارانی، 1390: 172).

مولف النقض در پاسخ شهاب‌الدین شافعی مولف فضائح‌الروافض که در موضعی، علمای شیعه را در زبونی به یهودیان مانند می‌کند، فهرستی از علمای شیعه را در شهرهای مختلف می‌آورد و مدعی می‌شود که علمای شیعه در نزد امرا و سلاطین احترام و رتبه‌الایی داشته و از نظر مرتبه، از علمای سنی‌مذهب آن شهرها نیز بالاتر بوده‌اند. اینکه شخصی همچون شیخ‌جعفر دوریستی آنچنان در کانون احترام خواجه نظام‌الملک، وزیر سنی و متعصب سلجوقیان، بود که خود خواجه به شخصه، برای بهره بردن از مجلس درس وی هر دو هفته یکبار به محضر او در دوریست (طرشت فعلی) می‌رفت، دلیل محکمی بر این مدعای عبدالجلیل قزوینی است. علمای امامیه نیز در عوض، در مجالس درس سایر فرق اسلامی شرکت می‌کردند (قزوینی رازی، 1358: 105). افزایش ظرفیت علمی علمای

دولت‌های ایران پس از اسلام قرار داد، وزرایی قدرتمند بود که بیشتر از حوزه‌های فرهنگی خراسان و قم و کاشان پا به عرصه سیاست نهادند. بسیاری از این وزیران امامی مذهب بودند و حفظ جایگاه شیعه را مطلوب خود می‌دانستند.

در واقع، شیعه امامیه با تربیت عناصر ورزیده تلاش می‌کرد که در ساختار دولت سلجوقی، آن هم در سطوح عالی حاکمیت آن‌ها، مشارکت فعال داشته باشد؛ چراکه در آن صورت، فرصت لازم برای تحقق دیگر اهداف خود را به دست می‌آورد. در واقع جنگی فرهنگی بین دو جبهه متضاد شکل گرفته بود تا قدرت شمشیر سلاطین سلجوقی را به نفع آرمان‌های مذهبی خویش هدایت کنند. یک طرف مذاهب شافعی و حنفی با وزرای مقتدری همچون خواجه نظام‌الملک قرار داشتند که از پشتوانه معنوی خلافت عباسی برخوردار بودند و در طرف دیگر، شیعیان اثنی‌عشری با افرادی شاخص و دانشمندی در لباس وزارت و دیگر مناصب درباری که برای ماندگاری و پیروزی تلاش می‌کردند.

پشتوانه گروه دوم تجربه فراوان دیوانی بود که در دربارهای امرای بویهی کسب کرده بودند و میراث‌خوار وزیران قدرتمندی همچون صاحب‌بن‌عباد قلمداد می‌شدند. این وزیران دست‌پرورده دربارهای بویهی و حوزه‌های بزرگ شیعی بودند که علمای بزرگی همچون شیخ طوسی، شیخ مفید و شیخ کلینی از افراد شاخص آن به شمار می‌آمدند. بزرگان شیعی در سایه این میراث‌گران سنگ و توانایی خود در امر وزارت و دیوانسالاری، با اتخاذ موضعی متساهلانه، به تدریج موقعیت سیاسی و اجتماعی از دست‌رفته خود را در بدو حکومت سلجوقیان به دست آوردند و قادر به حفظ کيان خود شدند. نفوذ این دبیران و جایگاه اداری آن‌ها موجب می‌شد تا سرهنگان و نیروهای اجرایی دولت از آن‌ها پیروی کنند (جلالی، 1382: 120). در

نیشابور در قرن ششم، باید از ابوالحسن علی‌بن‌احمد نیشابوری فنجکردی (م 513) یاد کرد که کتابی با عنوان تاج الاشعار فی النبی المختار و اله الاطهار نوشته است. عالم دیگر نیشابوری تاج العلماء نیشابوری و دیگری حسن بن ابراهیم بن عبدالعزیز تمیمی نیشابوری است که تا سال 500 قمری زنده بوده است. ابن‌ابی‌طی شیعی امامی از وی یاد کرده و او را یکی از علمای شیعه و از برجستگان نیشابور «وجوه نیشابور» معرفی کرده است (عسقلانی، 1390: 357/2). عالم دیگری نیشابوری حسن بن یعقوب نیشابوری بوده که در سال 517 قمری فوت کرده است. یکی از عالمان علوی نیشابوری با نام زید بن حسن بن... موسی بن جعفر (ع) نیشابوری متوفی 491 یا 492 قمری، در سال 463 قمری به اصفهان رفت که در آنجا او را به وضع حدیث متهم کردند؛ چون احادیثی در باب صفات خداوند روایت کرد که با آرای اهل سنت اصفهان موافقتی نداشت (طباطبایی، 1417: 217).

قزوینی رازی سپس برترین علمای شیعه استرآباد را نام می‌برد که معروف‌ترین آن‌ها سید نظام‌الدین از ماضیان و از باقیان سید صدر الدین سمرقندی، کمال الدین استرآبادی و معین‌الدین بوده‌اند. درباره ساری چنین می‌نویسد: «و سادات ساری سیدالحسن و اولاد او شرف‌الدین و تاج‌الدین و قطب‌الدین و بهاء‌الدین همه با علم و فضل و شرف و نسب عالی و مال و جاه که بوده‌اند و هستند همانا پوشیده نماند» (قزوینی رازی، 1358: 399). وجود این علما و کارهای فرهنگی آنان که همراه با تاسیس کتابخانه‌ها و مدرسه‌های بسیاری بود، به گسترش فرهنگ و ارتقا جایگاه شیعه امامیه کمک می‌کرد.

## 2. بهره‌مندی از وزیران توانمند و اثرگذار

ترکان سلجوقی با قدرت شمشیر بر سرکار آمدند؛ اما آنچه دولت آن‌ها را در شمار یکی از مقتدرترین

از وی صلوات و عطایا و تسویغ و ادرار ستده» (قزوینی رازی، 1358: 220). این وزیر ذی‌نفوذ شیعی با همه نفوذی که بر سلطان داشت، به سعایت کسانی همچون «صدرالدین خجندی قاضی اصفهان و ابوسعید هندی و شمس‌الدین عثمان پسر نظام‌الملک» به اتهام همدستی با ملاحده کشته شد. سلطان محمد سلجوقی به شدت از مرگ وی متأثر شد (شوشتری، 1354: 458/2).

در تاریخ گزیده در شرح اتهام الحاد سعدالملک چنین آمده‌است: «وزیر سلطان محمد، سعدالملک آوجی در الحاد از متابعان احمد عطاش بود. از قلعه پیغام بدو فرستاد که جهت ما رزقی بفرست و الا قلعه بسپاریم. جواب فرستاد که روزی دو دیگر تحمل کنید تا این سگ یعنی سلطان را از دست بگیریم. چون سلطان محروم مزاج بود، هر ماه، فصد کردی. سعدالملک آوجی فصاد سلطان را بفریفت تا او را به نیش زهرآلود فصد کند این حال از قول زن حاجب سعدالملک آوجی که با معشوق خود شب به خلوت، در اثنای حکایت می‌گفت، به سمع سلطان رسید» (مستوفی، 1339: 445).

دیگر وزیر مقتدر این عهد تاج‌الملک ابوالغنائم شیرازی بود که پس از جلب نظر سلطان، نفوذ خود در دستگاه ملکشاه را از کسب ریاست دیوان رسائل و طغرای آغاز کرد. تاج‌الملک به همراه مجدالملک قمی صاحب دیوان استیفا و ابوالعالی سدیدالملک عارض و مساعدت ترکان خاتون همسر سلطان، جبهه متحدی علیه نظام‌الملک و غلامان و درباریان دست‌پرورده او تشکیل دادند و در نهایت نیز سلطان را به برکناری خواجه و واگذاری امور اجرایی به این جبهه متحد شیعی متقاعد کردند. مورخان سنی‌مذهب این تحولات سیاسی را منفی جلوه داده‌اند و مهم‌تر اینکه شخص تاج‌الملک نیز از این پیروزی بهره‌ای نبرد و در نبرد جانشینی ملکشاه جان باخت؛ اما برتری وی و

سیاست‌نامه آمده‌است: «و اکنون کار به جایی رسیده‌است که درگاه و ایوان از ایشان (بدمذهبان عراق) پر شده‌است و هرترکی را ده و بیست در پیش ایشان می‌دوند و اندر آن تدبیراند که اندک خراسانی را بدین در و درگاه نگذارند که بگذرد یا نانی یابند» (نظام‌الملک، 1358: 179).

چنان‌که آمد این مسئله در عهد سلاطین متأخر سلجوقی قوت گرفت؛ به طوری که دشمنان شیعه فریاد اعتراض خود را برای این همه اقتدار و توانمندی و نفوذ شیعه در دربار سلاطین سلجوقی بلند کرده‌اند (قزوینی رازی، 1358: 112). چنین نفوذی تا حد بسیاری مرهون جایگاه و عملکرد وزرای شیعه‌مذهب این عهد بود؛ چراکه دیوان وزارت که زیر نظر وزیر اداره می‌شد و بر دیگر دیوان‌ها نظارت می‌کرد، در رأس امور اجرایی قرار داشت و کارگزاران سیاسی را منصوب می‌کرد؛ حتی برای جلوگیری از هرگونه گرایش به سوی الحاد و ارتداد، بر نهادهای دینی نیز نظارت می‌کرد.

سلاطین نخست سلجوقی حنفی بودند و طبق تعصب فرقه‌ای، وزیران حنفی یا شافعی‌مذهب همچون عمید الملک کندری و خواجه نظام‌الملک را انتخاب می‌کردند؛ اما چنان‌که آمد، به تدریج که تشیع امامی هویت و ماهیت متفاوت خود را از دیگر فرق تشیع نشان داد، زمینه برای ورود وزرای شیعی به دربار و نفوذ فکری امامیه در جامعه و حکومت هموار شد. برخی از این وزیران آنقدر صاحب نفوذ بودند که عبدالجلیل قزوینی صفحاتی را به شرح زندگی و آثار و برکات وزارت آن‌ها اختصاص می‌دهد؛ از این جمله سعدالملک آوجی بود که وی را چنین معرفی می‌کند: «سعدالملک سعدبن محمد آوی وزیر محترم و مشیر حضرت سلطنت بوده فریقین از ائمه و علماء ایشان و متصوفان او را صاحب و خداوند نوشته و خوانده و



فخرالدین طاهر بن الوزير معین الدین کاشی، معین الدین بن الوزير فخر الدین، ارسلان بن طغرل بن محمد (شوشتری، 1354: 466/2؛ راوندی، 1364: 292، 370)، شرف الدین انوشروان بن خالد فینی کاشانی، وزیر سلطان مسعود و محمود و نویسنده کتاب معروف و مفقود «نفثه المصدور فی صدور زمان الفتور و فتور زمان الصدور» که تنها ترجمه آن از سوی عماد کاتب باقی مانده است (منشی کرمانی، 1364: 78؛ ابن الاثیر: 1353: 10/20؛ قزوینی رازی، 1358: 221) و تعداد بسیار دیگری که دوران وزارت آن‌ها در منابع این عصر بازتاب یافته است، از جمله وزرای مقتدر شیعی بوده‌اند. متأسفانه اغلب این وزرا در نتیجه رقابت‌های دیوانی و ایستادگی در راه حفظ منویات خویش کشته شده‌اند (قزوینی رازی، 1358: 219 تا 221؛ ابوالرجاء قمی، 1386: 73، 81، 85، 88، 90، 121؛ کاتب اصفهانی، 1889: 171؛ منشی کرمانی، 1364: 81؛ ابن خلکان، 1380: 227). بهای سنگینی که وزرای امامی مذهب این عصر در راستای حفظ کیان و برکشیدن شیعیان امامی متحمل شده‌اند و تنها با وزیرکشی‌های عهد ایلخانان (654 تا 736 ق/1256 تا 1335 م) درخور قیاس است، شور و شعور شیعیان این عهد را در جهت برتری بخشیدن به گفتمان فکری فرهنگی تشیع و حفظ ماندگاری در جامعه و حکومت را در خود دارد. گسترش و قدرت‌گیری نیروهای فرهنگی، سیاسی و به خصوص دیوانیان و وزیران شیعی در دوران سلاطین متاخر سلجوقی و تاثیرگذاری شیعیان مناطق مرکزی ایران، زمینه توسعه پسینی شیعه امامیه را در دوره ایلخانان فراهم کرد (بارانی، 1394: 70).

### 3. بهره‌گیری از اصل راهبردی تقیه

دوره سلجوقیان یکی از دوره‌هایی است که اختلافات

اطرافیان شیعی او از تفوق گفتمان سیاسی امامیه از این زمان به بعد حکایت می‌کند (راوندی، 1364: 135 و 136؛ میرخواند، 1380: 3181/4؛ حسینی یزدی، 1388: 57 و 58).

دیگر وزیر مقتدر این عهد مجدالملک قمی براوستانی بوده که ابتدا در دربار سلطان ملکشاه به عنوان مستوفی مشغول به کار بود. وی به همراهی تاج‌الملک با جسارت تمام در برابر سیطره نظام‌الملک و فرزندان و یاران وی بر امور مملکتی قیام کرد و به منصب وزارت رسید (اقبال، 1338: 105). وی در سال 490 ق/1097 م به وزارت رسید و تا سال 492 ق/1099 م که به قتل رسید از احترام فراوانی برخوردار بود. در گزارش عماد کاتب «مجدالملک قمی... از فاضل‌ترین و کاردان‌ترین مستوفیان روزگار بود و در حفظ قوانین و تدبیر دواوین و ضبط حساب نظیر نداشت» (کاتب اصفهانی، 1889: 60). مولف النقض آثار و برکات دوران وزارت وی را متذکر شده است (قزوینی رازی، 1358: 82، 219 و 220).

شرف‌الدین ابوطاهر بن سعد القمی نیز در دوران کوتاه وزارت، نام نیکی از خود برجای نهاد. منشی کرمانی او را «... بغایت متدین و متصون و متشع...» معرفی می‌کند (منشی کرمانی، 1364: 59 و 60). دیگر معین‌الدین ابونصر احمد الکاشانی وزیر سنجر بود که تمام منابع از نیک سیرتی او یاد می‌کنند (کاتب اصفهانی، 1889: 99 و 100؛ قزوینی رازی، 1358: 220 و 221؛ منشی کرمانی، 1364: 67) و در نتیجه مبالغه در ضدیت با اسماعیلیه، به قتل رسید. منشی کرمانی عملکرد وی را چنین بیان می‌کند: «و وزیر معین‌الدین در وضع قوانین پسندیده و رفع رسوم ذمیمه بکوشید و آثار خیر و نام نیکو یادگار گذاشت و بقاع خیر بسیار در ممالک بنا فرمود» (منشی کرمانی، 1364: 67، 69).

قزوینی رازی، 1358: 106؛ راوندی، 1364: 431 و طبیعی بود که در کنار بهره‌مندی از تجارب ارزشمند خود در امور اداری و اجرایی، برخورداری از سلوک اعتدالی و مشی مداراجویانه، پرداختن به اموری فکری و فرهنگی و پرهیز از ورود در درگیری‌های اجتماعی و اعتقادی تا حد ممکن، از شیوه‌های دیگری نیز استفاده کنند. یکی از این شیوه‌های موثر که در حکم چتری حمایتی هویت و ماهیت شیعیان امامیه را محفوظ کرده و امکان ورود آن‌ها را در عرصه سیاست و حکومت فراهم می‌کرد، اصل راهبردی تقیه بود. اصلی که به‌عنوان راهکاری کلامی و عملیاتی، در عصر فرمانروایی سلجوقیان، شیعیان امامیه به خوبی از آن بهره گرفتند.

در مذهب تشیع، تاریخچه تقیه به دوران امام علی (ع) برمی‌گردد. در دوره‌های بعدی نیز متناسب با اوضاع و احوال زمانه، از این روش استفاده می‌شد. در دوران سلاطین اولیه سلجوقی، بنا به تعصب وزیران متعصب آن‌ها، شیعیان امامی متوسل به این روش شدند، تا خود را از خطرهایی که به‌طور معمول از طرف متعصبان سنی متوجه آن‌ها بود، حفظ کنند. عبدالجلیل در پاسخ به نقد مولف فضایح، این چنین به دفاع از تقیه پرداخته‌است: «أما تقیه، دفع مضرت باشد از نفس و دگر مؤمنان اگر مضرت معلوم باشد و اگر مظنون بترک حرکتی یا لفظی که نقصان ایمان نکند چنان‌که عمار یاسر کرد در عهد هجرت رسول صاحب شریعت و دیگر صحابه و شیعه بدان مخصوص و منفرد نباشند و نه خواجه پیش از این خود را سنی مطلق خواندی اکنون از بیم ترکان مرکب کرده‌است و خود را حنفی سنی می‌خواند و تقیه همین باشد» (قزوینی رازی، 1358: 137).

عبدالجلیل قزوینی در چند موضع دیگر نیز به دفاع از این اصل راهبردی شیعه پرداخته و آن را علل موفقیت

دینی و اعتقادی در آن شدت گرفت و در کنار آشفتگی‌های سیاسی، در امور دینی و مذهبی و به تبع آن جهت‌گیری‌های اجتماعی نیز وضعیت نامساعدی حاکم شد (صفا، 1363: 136/2). در این عهد، فلسفه و علوم عقلی از رونق افتاد و تعصب و تحجر امکان هم‌نوایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را از جامعه گرفت. در بسیاری مواقع حکومت هم خواسته یا نخواستہ غرق در تعصب بود و ناگزیر سلاطین و دولتمردان هم در جهت‌گیری‌های مذهبی و فرقه‌ای دخالت می‌کردند. در این عهد، نزد صاحبان قدرت، استفاده از حربہ تهمت و افترا و سعایت برای کنارزدن رقیب، تحریک توده مردم و بازی با معتقدات آنان در جهت مطامع شخصی و پخش شایعات بی‌اساس در جهت تسویه حساب با رقیبان امری طبیعی بود. در چنین وضعیتی فضایی مسموم و آکنده از ابهام بر مناسبات جامعه و حکومت حاکم بود و همین امر صاحبان فرق و مذاهب مختلف را مجبور می‌کرد که در حالت خوف و رجا، به افراط و تفریط روی بیاورند. گزارش‌های منابع حاکی از اختلاف و کشمکش میان مذاهب و حتی فرق هم‌مذهب است و از وجود درگیری‌های فراوان در شهرها و محلات یاد می‌کنند (حسینی، 1380: 154؛ ابن‌فندق، 1317: 274 تا 276، 268 و 269).

در این دوران پرنشیب، شیعیان امامی به‌عنوان گروهی اصولی و فرهنگی پرنفوذ که با نابودی آل‌بویه پشتوانه سیاسی خود را از دست داده بودند، در دهه‌های آغازین حکومتداری سلجوقیان در کانون بغض دولتمردان ذی‌نفوذ بودند و جایگاه عمومی ایشان تحت‌الشعاع عملکردهای تروریستی اسماعیلیه قرار گرفته بود و اغلب در نتیجه حب و بغض، میان ایشان با دیگر فرق شیعی تمایز اصولی و اعتقادی قائل نبودند؛ بنابراین شیعیان امامی نیازمند احتیاط بیشتری در سلوک سیاسی و اجتماعی خود بودند (حسینی رازی، 1364: 180؛

و معنوی خویش، سهم موثری در حفظ کیان شیعیان داشت. نقیب که با نسبت علوی و انتساب به حضرت رسول (ص) در کانون احترام مسلمانان بود، در ساختار سیاسی و اعتقادی جامعه اسلامی جایگاه تعریف شده‌ای داشت و از حیث مادی و معنوی دارای نفوذ بود؛ به خصوص نقش آن‌ها در حفظ موقعیت شیعیان امامیه، در جامعه سنی آن روز، بسیار مهم بود. در جایی که شمار بسیاری از جمعیت شهر را شیعیان تشکیل می‌دادند، نقیب خود به خود مسئولیتی هم‌پای رئیس شهر داشت و رهبر و نماینده تمام اهالی شهر محسوب می‌شد. وی منصبی نیمه اداری داشت و به عنوان ضامن حسن رفتار جامعه شیعیان، پاسخ‌گوی حکومت بود. سلطان نیز به نوبه خود، رعایت نقیبان را می‌کرد (باسورث، 1384: 199).

بخشی از وظایف نقیب بدین شرح بود: اداره امور عمومی سادات و علویان اعم از نظارت بر رفتار آن‌ها، اجرای حق قضاوت و اداره امور مالی ایشان، رسیدگی به جرایم سادات، برخورد با مدعیان دروغینی که خود را علوی معرفی می‌کردند، کمک به سادات و علویان فقیر و پیدا کردن شغل مناسب برای جلوگیری از تکدی‌گری (خضری، 1386: 275).

در کتاب النقض، از غائله‌ای در عهد سلطان مسعود سلجوقی در شهرری یاد می‌شود که در نتیجه حبس تعدادی از رؤسای اهل سنت همچون بوسعده و زان و «بلفضائل مشاط» و شرف‌الائم بونصر هسنجانی در خانه‌ی امیرعباس، برپا شد و به غوغا و درگیری اهل سنت و اشاعره انجامید و تعدادی از غوغاگران به دار آویخته شدند. عاقبت این نقیب شیعیان بود که غائله مذکور را خاتمه بخشید و موجبات آزادی محبوسان را فراهم کرد. سیدفخرالدین، نقیب شیعیان،

شیعه قلمداد کرده‌است (قزوینی رازی، 1358: 31، 477). راوندی که با شیعه عناد و دشمنی آشکاری داشت، رفتار اسپهبد شیعی مازندران را با سلطان طغرل بن ارسلان تقیه و نفاق می‌داند و می‌نویسد: «و ملک مازندران خذ له الله و لعنه که مبنای عقیدت او و جمله رافضیان علیهم‌اللعنه بر تقیه و نفاق است منافقی که از عقیدت پلیذ و ذات خبیث او سزید به جای آورد و نه از دل سلطان را نزلی فرستاد...» (راوندی، 1364: 341)؛ درحالی‌که تقیه فرمانروایان شیعه آل‌باوند باعث گسترش تشیع در شمال ایران در دوره سلجوقی شد. با هر پیشینه اعتقادی و هرگونه قضاوت سلبی یا ایجابی مورخان این عهد، همین سیاست تقیه بود که در پرتو آن شیعه امامیه کیان خود را حفظ کرده و با کارکرد فکری و فرهنگی و نفوذ در دستگاه دیوانی سلجوقیان، مخالفان خود و از جمله نظام‌الملک و وابستگان به وی را به شدت نگران و در نهایت هم از صحنه سیاسی برکنار کرد. تقیه در حکم کتمان اعتقادات دینی از روی احتیاط و دوراندیشی، به ویژه در هنگامه مواجهه با خطر، به شیعیان عهد سلجوقی کمک کرد که دهه‌های پرخطر و خطر نیمه دوم قرن پنجم و آغازین دهه‌های قرن ششم قمری را آسان‌تر سپری کنند و با کسب پایگاه سیاسی و اجتماعی لازم، در دهه‌های پایانی دوران سلاجقه بدون نیاز به استفاده از تقیه، آزادانه به کار خود ادامه دهند.

#### 4. بهره‌گیری از منصب نقابت

سازمان نقابت یکی از سازمان‌های موفق و کارآمد شیعیان امامی در طول تاریخ بوده‌است. نقیب به عنوان فردی علوی و سید که در جامعه و حکومت از منزلت والایی برخوردار بود، نقش رهبری و حمایت شیعیان امامی را بر عهده داشته و نظر به نفوذ سیاسی

پس از گذشت سه ماه از حبس رؤسای اهل سنت، نزد سلطان از این افراد شفاعت کرد و آنان پس از اینکه «بخط خویش بطلان مذهب خویش بنوشتند» آزاد شدند (قزوینی رازی، 1358: 143).

نقبای علوی که افرادی عالم و زاهد بودند، نمود تساهل شیعیان و پل ارتباطی حکومت سنی و مردمی شیعی قلمداد می‌شدند. همین نقش ارتباطی و نقطه اتکا باعث می‌شد که شیعیان موقعیت اجتماعی خود را حفظ کنند و در دراز مدت، جایگاه خود را بهبود بخشند. مهم‌تر اینکه وجود نقیب در بین شیعیان باعث اتحاد و همدلی آن‌ها می‌شد. مولف فضایح الروافض این اتحاد و همدلی ستودنی شیعیان آن روز را چنین بیان می‌کند: «اگر رافضی را کاری‌ها افتد همه دست بهم کنند و او را برهاند و اگر حنیفی مذهبی را یا شافعی مذهبی را کارها افتد دست بهم کنند و خانه‌اش ببرند و کین دین از وی بکشند» (قزوینی رازی، 1358: 116).

این‌اثیر در تاریخ کامل، در شرح حوادث سال 501ق، به قدرت اقتصادی و اجتماعی چشمگیر رئیس علویان همدان اشاره می‌کند. این نقیب ابوهاشم زید حسنی علوی بود که نسب به صاحب‌بن‌عباد، وزیر شیعی آل‌بویه، می‌رسانید و در این زمان حاکم همدان بود (ابن‌اثیر، 1353: 118/18). طغرل‌بیگ، مؤسس سلسله سلجوقی، نیز در بدو ورود خود به همدان، ناصر علوی را به عنوان نماینده خود انتخاب کرد (ابن‌اثیر، 1370: 5754/13).

گاهی نقبا در راس گروه‌های شهری، به دفاع از شهرها و حمایت از مردم می‌پرداختند؛ از این جمله در آشفتگی‌های اواخر سلطنت سنجر که غزان به شهر طوس حمله کردند، نقیب شهر به همراه مردم به دفاع از شهر و مشهد علی‌بن‌موسی‌الرضاع) انکارناشدنی است. درجایی که شمار بسیاری از

پرداخت و در میدان منازعه شهید شد (ابن‌اثیر، 1353: 20، 249). در شهر شیعه‌نشین سبزوار نیز، نقیب شیعیان فرماندهی مقاومت مردم در برابر غزان را به عهده گرفت. «غزان شهر سبزوار را محاصره کردند اما نقیب عمادالدین علی‌بن‌محمد بن‌یحیی علوی حسینی که ریاست علویان را داشت، برای دفع غزان قیام کرد و در پیکار با ترکان غز پایداری نشان داد. در نتیجه، غزان مجبور به صلح با مردم سبزوار شدند». این حادثه در سال 554ق/1159م رخ داد (ابن‌اثیر، 1353: 30/21؛ ابن‌فندق، 1317: 202، 271). منزلت اجتماعی نقبا آن‌قدر چشمگیر بود که وزیری همچون خواجه نظام‌الملک، دختر خود را به همسری پسر سیدمرتضی قمی درآورد. نقیبان در شهرهای مختلف ایران، امور شیعیان و سادات را اداره می‌کردند و در واقع، رهبران موفق شیعه در گذر از مراحل سخت عهد سلجوقی بودند. □

نقش این نقیبان در شهرهای مختلف ایران، سر و سامان دادن به امور شیعیان و سادات آن شهرها و بررسی شکایات و اختلافات آن‌ها بود. در واقع، آن‌ها رهبران موفق شیعه در آن زمان بودند که با هدایت و رهبری آن‌ها، شیعه امامیه به گذر از آن مراحل سخت موفق شد. نقیب علویان احترام و جایگاه والایی در نزد سلاطین سلجوقی و وزرای آن‌ها داشت. مردم کوچه و بازار نیز به نقبا احترام می‌گذاشتند. از آنجاکه وجود تعصبات شدید مذهبی در جامعه آن روز نوعی معضل به حساب می‌آمد، نقش نقبا برای کاهش این تنش‌ها و درگیری‌های فرقه‌ای درخور ستایش است. آن‌ها با استفاده از نفوذ معنوی عمیق خود در بین مردم، آن‌ها را از درگیری و اغتشاش برحذر می‌داشتند. نقش آن‌ها در حفظ موقعیت شیعیان امامیه در جامعه سنی آن روز، انکارناشدنی است. درجایی که شمار بسیاری از

عهد سلجوقی، شیعیان امامی از این برنامه تبلیغی، در جهت حفظ و استمرار هویت شیعی و حقانیت و وجاهت ائمه امامی استفاده می‌کردند و با بیان عقاید خود در این قالب، به نشر و توسعه مذهب خویش و کسب وجاهت اجتماعی و فرهنگی می‌پرداختند.

#### نتیجه

شیعیان امامیه که با زوال سیاسی آل بویه پایگاه سیاسی خود را از دست دادند و با نظام سیاسی نوظهوری مواجه شدند که از همان آغاز، کارکردهای سیاسی را با جهت‌گیری کلامی همراه کرده بود، از سر تأمل و درپیش‌گرفتن راهبرد و کارکردهای مناسب، برای تسخیر وضع موجود به نفع خویش تلاش کردند. به‌ویژه در دوران پرنشیب دهه‌های آغازین فرمانروایی سلاجقه که آشفتگی و ابهام بسیاری در مناسبات جامعه و حکومت وجود داشت و بازار دسته‌بندی‌های فرقه‌ای داغ‌تر بود، فرهیختگان امامیه با دقت و تأمل بیشتری برخورد کردند. آنان از راه مدارا و تعامل با دستگاه سنی مذهب سلجوقی، به نفوذ و احیاناً مقابله با دولتمردان ضد شیعی پرداختند. شیعیان امامی با بهره‌گیری از اصل راهبردی تقیه، تحمل سختی‌ها را بر خود هموار کردند و با به‌کارگیری هرچه بیشتر مدارا و تأنی در سلوک سیاسی و اجتماعی با دیگران، موجبات هم‌زیستی متقابل با مخالفان شیعی را فراهم آوردند. این در حالی بود که با پرداختن به امور فرهنگی و برخورداری از توان علمی لازم، هویت ممتازی را برای خود تعریف کردند و با استفاده از توان خویش در امور اجرایی و سیاسی و مهم‌تر از آن به‌کارگیری صداقت و راستی در انجام وظایف، اطمینان سلاطین سلجوقی را به خود جلب کردند. از این حیث، وزیران و نقیبان شیعی سهم موثری در جلب نگاه جامعه و حکومت به جامعه شیعی داشتند. در سطوح اجتماعی

جمعیت شهر را شیعیان تشکیل می‌دادند، نقیب خود به خود با داشتن منصبی که در حکم مسئولیت رئیس بود، رهبر و نماینده تمام اهالی شهر محسوب می‌شد. نقیب منصبی نیمه اداری بود و به‌عنوان ضامن حسن رفتار جامعه شیعیان، می‌بایست مانند رئیس پاسخ‌گوی حکومت مرکزی باشد.

#### 5. بهره‌گیری از رویکرد منقبت‌خوانی

منقبت‌خوانی که سابقه آن به دوران آل بویه بازمی‌گشت، اشعاری بود که فرد مناقب‌خوان در مدح امام علی (ع) می‌خواند. مناقب‌خوانی به معنای عام آن شامل انشاد و خواندن شعر و نثر، بیان مقام عبودیت، اخلاق والا، افعال کریمانه و نیک خواهی‌های امامان شیعه است. در واقع، منقبت‌خوانی روشی بود که مناقیبان در کوچه و بازار و محل‌های تجمع مردم اجرا می‌کردند. آن‌ها سعی می‌کردند با مدح امام علی (ع) و خاندان وی و بیان حقانیت مذهب شیعه، هویت مذهبی و فرهنگی خود را در جامعه ثابت کنند. در اوایل دوره سلجوقی، کمابیش پنهانی و در عراق و طبرستان فعالیت کرده و برای پرهیز از تعقیب و آزار، اغلب از جایی به جای دیگر مهاجرت می‌کردند (بویل، 1385: 279). در رابطه با فعالیت مناقیبان در ایران عصر سلجوقی، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی کتاب النقض است. مولف النقض طبق معمول، ابتدا بیان سلبی صاحب فضایح را آورده و سپس در پاسخ بدان، به دفاع از جایگاه منقبت‌خوانان پرداخته‌است (قزوینی رازی، 1358: 106، 108 و 109).

قوامی رازی یکی از شاعران شیعه این دوره بود که در دیوان اشعار خود، با زبان شعر، به منقبت‌خوانی پرداخت (قوامی رازی، 1374: 118، 133، 143 و 144). در

غیر از این وزیران، صاحب‌منصبان شیعی دیگری نیز در این عهد وجود داشته‌اند که عبدالجلیل قزوینی نام و نشان برخی از آن‌ها را ذکر می‌کند (ر.ک: قزوینی رازی،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ :  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$  و  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ؛ همچنین بنگرید به: قمی،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ :  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ؛ کاتب اصفهانی،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ :  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ؛ منشی کرمانی،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ :  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ؛ ابن خلکان،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ :  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ).

در خصوص جایگاه و نام تعداد بسیاری از نقیبان (ر.ک: قزوینی رازی،  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ :  $\text{فهرست ۱۰۰۰}$ ).

#### کتابنامه

#### الف. کتاب های فارسی

- . ابن‌اثیر، عز‌الدین علی بن محمد، (1353)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشار.
- . -----، (1370)، تاریخ کامل، برگردان حمیدرضا آژیر، تهران: اساطیر.
- . ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، (1389)، تاریخ ابن‌خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- . ابن‌خلکان، احمد بن محمد، (1380)، وفيات‌الاعیان و انبا ابناالزمان، تصحیح دکتر فاطمه مدرسی، ج 1، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- . ابن‌فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی، (1317)، تاریخ بیهق، با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار، تهران: بنگاه دانش.
- . ابوالرجاء قمی، نجم‌الدین، (1386) ذیل نقشه‌المصدر، به کوشش حسین مدرسی طباطبایی، نیوجرسی: زاگرس.

نیز با گرامی‌داشت سنن و اعتقادات شیعی در قالب منقبت‌خوانی و راست‌کرداری، ماهیت و هویت اجتماعی خود را ثابت کردند. وحدت نظر و اشتراک عمل امامیه در سطوح فوق، موجب شد که شیعیان امامی بتوانند گفتمان شیعی موفق‌تری که از عهد حکومتداری بویان رقم خورده بود، عمق و گسترش دهند و زمینه‌های تعالی و رونق بیشتر گفتمان فکری فرهنگی امامیه را در اعصار خوارزمشاهیان و ایلخانان و خاصه در دوران پس از زوال ایلخانان تا روی کار آمدن صفویه هموار کنند. بی‌جهت نیست که در عهد حاکمیت خوارزمشاهیان و سپس مغولان و تیموریان، شیعه امامیه آن‌قدر جایگاه پیدا کرد که با نفوذ در بطن جریان‌های تصوف و فتوت و پایگاه‌های اجتماعی و معنوی و نیز رسوخ در دربارهای حکومتی، جایگاه اعتقادی و سیاسی درخور توجهی به دست آورد و با تشکیل حکومت‌های شیعی، راه را برای برتری گفتمان شیعی در عهد صفوی هموار کرد. بدون تردید گسترش و تعمیق زمینه‌های سیاسی و اجتماعی این امر در ایران، از همین زمان سلجوقیان هموار شده و تجارب این دوران الگوی اعصار بعدی شد. حاکمیت آل‌بویه، با همه اهمیت آن در طرح گفتمان موثر امامیه، در سراسر ایران رسوخ نداشت؛ اما قلمرو گسترده سلاجقه این امکان را برای امامیه فراهم کرد تا گفتمان مذکور را در پناه تساهل و راهبردهای مناسب گسترش دهد و زمینه‌های تعالی شیعه را در دوره‌های بعدی فراهم آورد. از این منظر، مجموع تلاش‌های شیعیان امامیه در عهد سلجوقیان بسیار کارآمد بود و موجبات برتری پایگاه سیاسی و اجتماعی آن‌ها را در ادوار بعدی فراهم آورد.

پی نوشت

- اقبال، عباس، (1338)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و یحیی ذکاء، تهران: دانشگاه تهران.
- باسورث، ادموند کلیفورد، (1384)، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بوئل، جی. آ، (1385)، تاریخ ایران کیمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج 5، تهران: امیرکبیر.
- جعفریان، رسول، (1385)، تاریخ تشیع در ایران، قم: انصاریان.
- حسینی رازی، سید مرتضی بن داعی، (1364)، تبصره العوام فی معرفة مقالات الانام، به تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- حسینی یزدی، محمد بن نظام، (1388)، العراضه فی الحکایه السلجوقیه، به کوشش مریم میرشمسی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- حسینی، محمد میرک، (1385)، ریاض الفردوس خانی، به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- حسینی، صدر الدین ابوالحسن، (1380)، زبده التواریخ، ترجمه رمضانعلی روح‌اللهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلمی، احمد کمال الدین، (1387)، دولت سلجوقیان، ترجمه و اضافات عبدالله ناصری با همکاری حجت‌الله جودکی و فرحناز افضلی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خضری، سیداحمدرضا و مولفان، (1386)، تاریخ تشیع، تهران: سمت.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، (1380)، حبیب السیر، با مقدمه جلال الدین همایی، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، بی‌جا: خیام.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (1364)، راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، به تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.
- ستارزاده، ملیحه، (۱۳۸۴)، سلجوقیان، تهران: سمت.
- شوشتری، قاضی نورالله، (1354)، مجالس المومنین، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- صفا، ذبیح‌الله، (1363)، تاریخ ادبیات ایران، ج 2، تهران: فردوسی.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، (1358)، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضایح الروافض، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین محمد، (1889)، زبده النصره و نخبه العصره، تحقیق هوتسما، لیدن: بی‌نا.
- مستوفی، حمدالله، (1339)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- منشی کرمانی، ناصرالدین، (1364)، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزراء، به تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: اطلاعات.
- میرخواند، محمدبن‌خاوند، (1380)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- نظام‌الملک، ابوعلی طوسی، (1369)، سیاست‌نامه، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: اساطیر.
- یوسفی‌فر، شهرام، (۱۳۸۷)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سلجوقیان، تهران: دانشگاه پیام‌نور.

#### ب. مقاله

- بارانی، محمدرضا و هدایت نادریان، (1394)، «پراکندگی جغرافیایی امامیه در ایران دوره

سلجوقی»، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ اسلام، س 16، شماره مسلسل 61، ص 31 تا 79. ----- (1390)،  
«وضعیت فرهنگی شیعه امامیه در ایران عصر سلجوقی»، فصلنامه علمی و تخصصی سخن تاریخ، س 5، ش 15، ص 151 تا 174.  
جلالی، غلامرضا، (1382)، «عصر سلجوقی و سیاست‌های فرهنگی شیعه»، فصلنامه مشکوه، ش 79، ص 110 تا 122.

#### ج. پایان‌نامه

. دادخواه، عباسعلی، (1341)، ایران و تشیع، رساله دکتری، بی‌جا، بی‌نا.  
. منظورالاجداد، محمد حسین، (1380)، امامیه در عصر سلجوقیان، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس

Archive of SID